

بررسی مجازات تکرار و تعدد جرم از منظر قانون مجازات اسلامی

سید عباس جزایری^۱، احمد شیرزادخانی نجف آبادی^۲

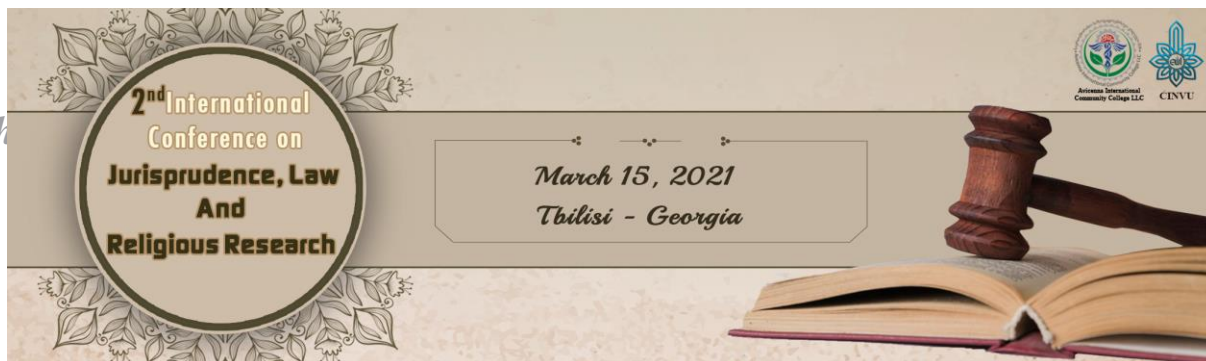
۱- گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲- دانشجوی رشته حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

چکیده

تکرار جرم عبارت است از ارتکاب جرم پس از تحمل مجازات جرم ارتكابی سابق و تعدد جرم و وضعیت ویژه ای می باشد که در آن مجرمی مرتکب چند جرم شده و پس از آن در دستان عدالت قرار می گردد تا به خاطر جرایمی که مرتکب شده مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد. تعدد جرم هنگامی مطرح می گردد که متهم بیش از یک جرم را مرتکب شده باشد، و دوم اینکه ادعای تعدد جرم هنگامی صحیح است که در زمان محاکمه متهم، فرد متهم به خاطر هیچ یک از جرایم ارتكابی قبلا محکوم و مجازات نشده باشد. لذا اگر متهم فقط یک جرم را در فواصل زمانی مختلف مرتکب شده باشد یا به خاطر یک یا چند مورد از آن جرایم قبلا محاکمه و مجازات شده باشد اتهام تعدد جرم در مورد وی صدق نمی کند. در همین راستا قانونگذار در مواردی از قانون جدید مجازات اسلامی همچون قوانین سابق تعدد جرم را به عنوان یکی از عامل های موثر در تعیین میزان مجازات مورد توجه قرار داده است. در مقاله حاضر به بررسی مبانی نظری تاثیر تکرار و تعدد جرم در تعیین میزان مجازات پرداخته می شود.

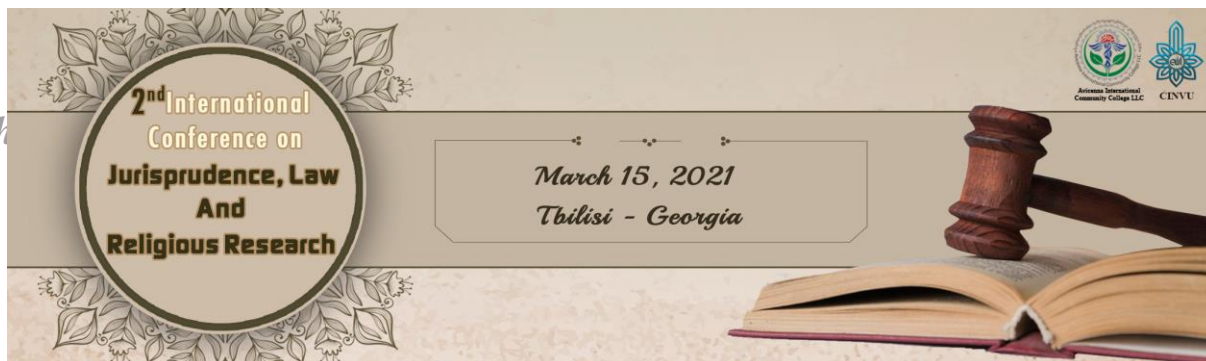
کلمات کلیدی: تعدد جرم، تکرار جرم، مجازات



مقدمه

مقررات مربوط به تعریف و ضوابط تعدد و تکرار جرم به عنوان دو مولفه انحصاری تشدید مجازات در کیفیات مشدده عام در حقوق کیفری ایران دچار تغییراتی بوده است. قبل از انقلاب اسلامی به پیروی از حقوق کیفری فرانسه، مقنن ایران تعدد را ارتکاب جرائم متعدد بدون آنکه در مورد هر کدام حکم محکومیت قطعی کیفری صادر شده باشد می دانست و حالت تکرار را نیز ارتکاب جرم پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری می دانست. بر این اساس، مرز بین تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری قبل از انقلاب ایران وجود حکم محکومیت قطعی کیفری بود. پس از انقلاب، مقنن بدون دقت لازم و بدون آنکه تغییری در تعریف تعدد جرم به وجود آورد، تعریف خود از تکرار جرم را تغییر داد و به ارتکاب جرم پس از تحمل کامل مجازات جرم ارتكابی سابق تبدیل کرد. این اقدام مقنن باعث گردیده که برخی از نویسندگان، علی رغم صراحت ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، هنوز تعریف تکرار را همان تعریف سابق، یعنی ارتکاب جرم پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری بدانند (اردبیلی، ۱۳۸۰). و برخی دیگر چنین تصور کنند که مقنن علاوه بر دگرگونی تعریف تکرار جرم، تعریف تعدد را هم دگرگون کرده، در واقع، مرز بین تعدد و تکرار را به جای محکومیت قطعی کیفری «قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲»، «اجرای مجازات سابق» در قانون جدید دانسته (فتحی، ۱۳۷۹). اما هیچکدام از این دو نظر صائب نیست: نه تعریف تکرار، تعریف قانون مجازات عمومی سابق است و نه مرز تعدد و تکرار «اجرای مجازات جرم قبلی است و اساساً با قانون فعلی، مرزی در این خصوص وجود ندارد و هر کدام از تعدد و تکرار تعاریف خاص خود را دارد. تکرار جرم عبارت است از ارتکاب جرم پس از تحمل مجازات جرم ارتكابی سابق و تعدد جرم عبارت است از ارتکاب جرائم متعدد بدون آنکه منجر به صدور حکم محکومیت قطعی کیفری شده باشد. اینگونه می توان گفت که یک نفر مرتکب بیش از یک جرم شود در این صورت دو حالت را می توان در مورد جرایم ارتكابی وی در نظر گرفت: حالت نخست آن است که وی پس از ارتکاب یک جرم دستگیر و محکوم شده و در حین تحمل مجازات یا قبل یا پس از اتمام آن مجدداً مرتکب جرم دیگری شود. اما حالت دیگر آن است که وی مرتکب چند جرم شده و آن گاه دستگیر و به خاطر همه آن جرایم، آماده محاکمه می شود. در حقوق جزای عمومی حالت نخست را اصطلاحاً تکرار جرم و حالت اخیر را تعدد جرم گویند. تکرار و تعدد جرم، هم در قالب مباشرت واحد قابل تحقق اند و هم در قالب شرکت چند نفر در ارتکاب جرم. به عبارت دیگر، همان گونه که این دو مقوله را می توان در مورد جرایم یک فرد مورد بررسی قرار داد، در خصوص جرایم عده ای که شریک در ارتکاب چند جرم بوده اند نیز می توان به مقوله های تکرار و تعدد پرداخت. شرکت، یک وصف جمعی است که به هنگام بررسی آن باید رفتار چند نفر را با هم در نظر گرفت و در این چارچوب تکرار و تعدد را باید در خصوص هر کدام از شرکا به طور جداگانه مورد مطالعه قرار داد در این مقاله به بررسی تعریف تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی پرداخته می شود.

تعدد جرم

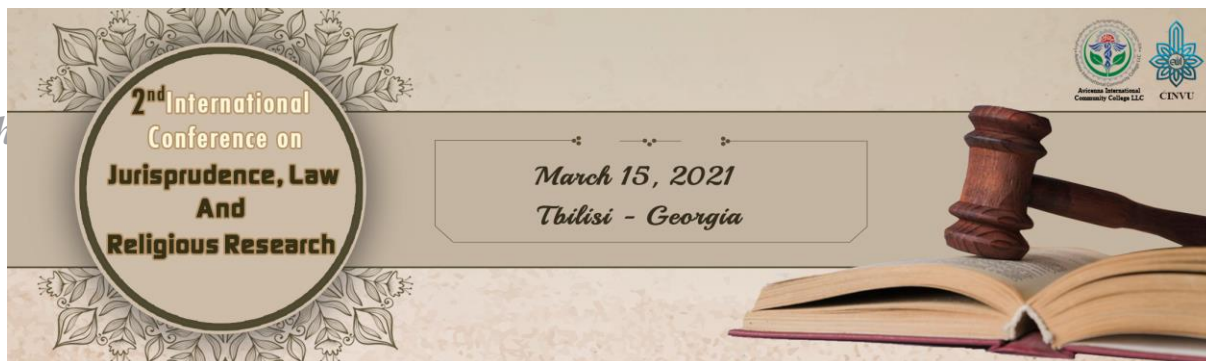


در بخش اول به تعریف تعدد جرم پرداخته می شود در همین راستا مقنن در مواد ۴۷ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ به بحث از تعدد جرم پرداخته است. در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی راجع به تعدد معنوی آمده است: «در جرائم قابل تعزیر، هر گاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرمی داده میشود که مجازات آن اشد است». از این متن با توجه به اینکه مرتکب جرم، عمل واحدی انجام داده، چنین مستفاد می شود که بدون تردید، تعدد معنوی حالتی است که هنوز در مورد شخص، حکم محکومیت قطعی کیفری صادر نشده است.

در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی راجع به تعدد مادی آمده است: «در مورد تعدد جرم هر گاه جرائم ارتكابی مختلف باشد، باید برای هر یک از جرائم، مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می گردد و در این قسمت، تعدد جرم میتواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد، مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم میگردد». عبارات به کار رفته در متن این ماده از جمله عبارت «باید برای هر یک از جرائم، مجازات جداگانه تعیین شود» یا «فقط یک مجازات تعیین می گردد». حاکی است که در حالات سه گانه مطروح در این ماده نیز هنوز در مورد مرتکب جرم، حکم محکومیت قطعی کیفری صادر نشده است. این امر با توجه به اعتبار امر مختوم در آیین دادرسی کیفری که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی محسوب میشود کاملاً منطقی و بدیهی است. بنابراین، بدون تردید، حالت تعدد جرم در همه اشکال آن، حالت فردی است که مرتکب جرائم متعدد، اعم از مختلف یا مشابه گردیده و در مورد هیچکدام از آنها هنوز حکم محکومیت قطعی کیفری صادر نگردیده است و دادگاه در مواجهه با این جرائم متعدد، اگر مختلف باشند برای هر کدام مجازات جداگانه تعیین میکند و اگر مشابه باشند «فقط یک مجازات تعیین» میکند.

برخی معتقدند که مقنن پس از انقلاب با تصویب ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ملاک تفکیک تعدد و تکرار را اجرای مجازات دانسته است (فتحی، ۱۳۷۹). در واقع مطابق این نظر، تعریف تعدد عبارت است از ارتكاب جرائم متعدد تا زمان اجرای مجازات. در حالی که این نظر براساس آنچه گفته شد اساساً درست نیست و بر خلاف منطوق صریح مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی است. مقنن پس از انقلاب با تصویب ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی فقط تعریف تکرار جرم را عوض کرده و اساساً هیچ اقدامی در خصوص تغییر تعریف تعدد جرم انجام نداده است. بنابراین در حال حاضر هیچ مرزی بین تعدد و تکرار نیست و هر کدام از آن دو، تعاریف خاص خود را دارد؛ به این صورت که جرائم ارتكابی متعدد متهم تا زمانی که در مورد آنها حکم محکومیت قطعی کیفری صادر نشده، مشمول بحث تعدد جرم است. تکرار جرم هم زمانی محقق می شود که شخصی پس از تحمل کامل مجازات جرم ارتكابی قبلی، مجدداً مرتکب جرم جدید بشود.

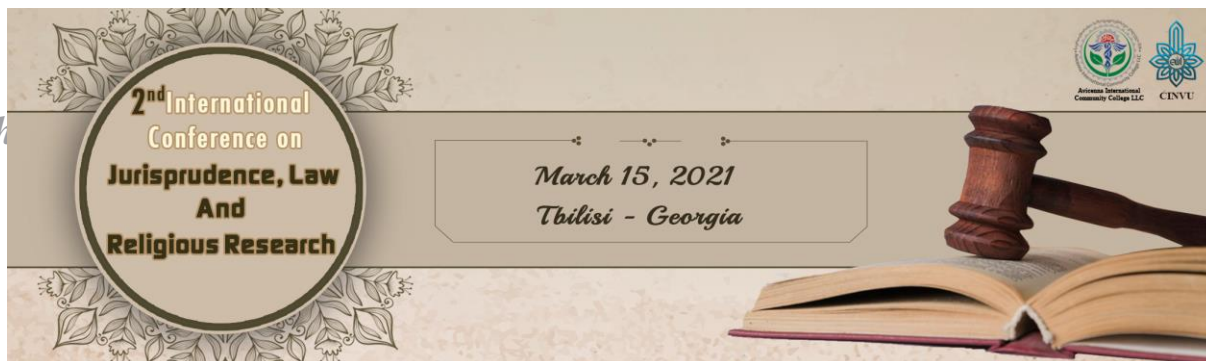
بدیهی است در حالات ما بین این دو مورد، یعنی جرائمی که پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری تا زمان اجرای مجازات کامل (قبل از اجرای مجازات یا در حین اجرای مجازات) ارتكاب می یابند هم نه قاعده تعدد حاکم



است چون نسبت به جرم قبلی محاکمه صورت گرفته و حکم محکومیت قطعی کیفری صادر گردیده است و نه قاعده تکرار، چون هنوز حکم به صورت کامل اجرا نگردیده است. در واقع در این حالات ما صرفاً با یک جرم ساده مواجه هستیم که نه مشمول ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (بحث تعدد) است و نه مشمول ماده ۴۸ این قانون (بحث تکرار) برای رد این استدلال نمی توان به ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز استناد کرد که مقرر می دارد: " هر گاه پس از صدور حکم معلوم گردد محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری بوده که مشمول مقررات تعدد جرم می باشند و در میزان مجازات قابل اجرا موثر است به این شرح اقدام می گردد، " اولاً چون این ماده در مقام تعریف تعدد جرم نیست و صرفاً درباره مورد کاملاً استثنایی تصحیح حکم است و ثانیاً از لحاظ ماهیتی نیز این ماده از حیث تعریف تعدد، مغایرتی با مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی و مطالبی که فوقاً ارائه گردید ندارد؛ چون ناظر به موردی است که تمامی جرائم ارتكابی شخص، قبل از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری ارتكاب یافته، اما با توجه به عدم کشف برخی از این جرائم، صرفاً نسبت به جرائم مکشوف، حکم محکومیت قطعی صادر می گردد و پس از آن به صدور حکم محکومیت قطعی - جرائم ارتكابی دیگر هم کشف می گردد که با توجه به اینکه در زمان ارتكاب آنها، نسبت به هیچ کدام از جرائم، حکم محکومیت قطعی کیفری صادر نگردیده، موضوع مشمول مقررات تعدد جرم است که در این صورت، این ماده نحوه تصحیح حکم را بیان میکند. دقت در عبارت « معلوم گردد که محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری بود که مشمول مقررات تعدد جرم می باشند. بخصوص دقت در عبارت « که مشمول مقررات تعدد جرم میباشند». دقیقاً این استنباط را تقویت میکند که منظور آن است که همه جرائم ارتكابی در زمانی واقع شده که هیچ حکم محکومیت قطعی کیفری در مورد هیچکدام از جرائم صادر نگردیده است. بنابراین، بدون تردید، این ماده شامل متهمی نمی گردد که قبلاً مرتکب جرم گردیده و در مورد جرم ارتكابی او، حکم محکومیت قطعی کیفری هم صادر شده است و پس از آن - یعنی پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری - مجدداً مرتکب جرم دیگری نیز گردیده است؛ چون در این صورت، عمل مرتکب «مشمول مقررات تعدد جرم» مندرج در مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی نیست. بدیهی است در این صورت، حکم محکومیت قطعی کیفری قبلی قابل اجرا است و در مورد جرم ارتكابی جدید او هم باید به عنوان یک جرم ساده، که نه مشمول قاعده تعدد است و نه مشمول قاعده تکرار، رسیدگی جداگانه صورت گیرد (آشوری، ۱۳۷۵).

تکرار جرم

ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی می گوید: «هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم شود چنانچه بعد از اجرای حکم، مرتکب جرم قابل تعزیر گردد، دادگاه می تواند در صورت لزوم، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید». مطابق این ماده، تکرار جرم عبارت است از «ارتكاب جرم تعزیری پس از تحمل مجازات تعزیری یا بازدارنده سابق».



همان طور که مشخص می شود این ماده بر خلاف ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی سابق و نیز تعریف پذیرفته شده در حقوق برخی از کشورها که شرط تحقق تکرار جرم را وجود حکم محکومیت قطعی کیفری می دانند، صراحتاً شرط تحقق تکرار جرم را «اجرای حکم» قبلی می داند و بر این اساس، اگر شخصی بعد از محکومیت قطعی کیفری و قبل از اجرای مجازات یا حتی در حال تحمل مجازات مرتکب جرمی شود، ارتکاب جرم دوم او از باب تکرار نبوده، صرفاً یک جرم ساده خواهد بود (استفانی، ۱۳۷۷).

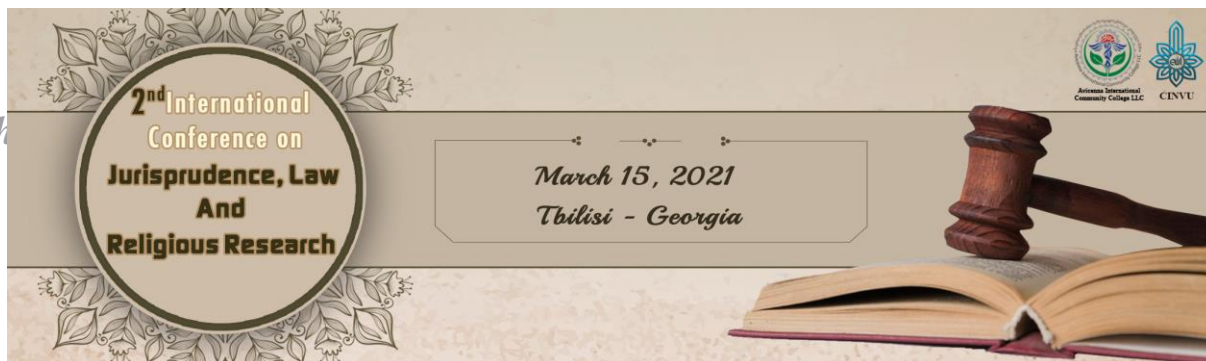
با وجود این، تبصره این ماده، بحث دیگری را مطرح کرده و تردیدهایی را در مورد صحت تعریف فوق از تکرار به وجود آورده است. این تبصره مقرر می دارد: «هر گاه حین صدور حکم محکومیتهای سابق مجرم معلوم نباشد و بعداً معلوم شود، دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می کند و در این صورت اگر دادگاه، محکومیتهای سابق را محرز دانست میتواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید».

تردید از آنجا ناشی می شود که علی رغم آنکه خود ماده ۴۸ صراحتاً تکرار را ارتکاب جرم «بعد از اجرای حکم» می داند، در عین حال تبصره این ماده صحبت از «محکومیتهای سابق مجرم» کرده و منطوقاً اشاره دارد که اگر هنگام صدور حکم محکومیت سابق مجرم معلوم نبوده و بعداً معلوم گردد، دادگاه مقررات تکرار جرم را در مورد مجرم اعمال خواهد کرد. به عبارت دیگر، این تبصره مفهوم اشاره دارد که ارتکاب جرم پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری نیز مشمول بحث تکرار است. به عنوان مثال بر اساس این تبصره چنانچه فردی قبلاً مرتکب جرمی گردیده و نسبت به آن حکم محکومیت قطعی کیفری نیز صادر گردیده و متعاقب آن (صدور حکم قبلی) مرتکب جرم دیگری شود که هنگام رسیدگی به این جرم دوم، محکومیت قبلی مجرم معلوم نبوده و بعداً معلوم گردد، دادگاه می تواند براساس این تبصره، مقررات تکرار جرم، یعنی تشدید مجازات را در مورد جرم جدید او اعمال کند، بدون آنکه این امر تأثیری در محکومیت قبلی مجرم داشته باشد؛ و این مطلب خلاف تعریفی است که خود ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی در مورد تکرار پذیرفته است.

حکم این تبصره باعث شده است که برخی از حقوقدانان، شرط تحقق تکرار جرم را صرف وجود محکومیت قطعی کیفری بدانند، نه اجرای مجازات در حالی که بنا به دلایل ذیل این نظر، صائب نیست (پیمانی، ۱۳۷۴):

اولاً حکم تبصره ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی با اندک تفاوت در تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ در فصل پنجم (تکرار جرم) پیش بینی شده بود. این تبصره مقرر میداشت:

«هر گاه حین صدور حکم، محکومیتهای سابق مجرم معلوم نبوده و بعداً معلوم شود، دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می کند و در این صورت، اگر دادگاه، محکومیتهای سابق را محرز دانست، مکلف است حکم خود را طبق مقررات فوق تصحیح نماید». این تبصره در قانون مجازات عمومی دقیقاً در هماهنگی با تعریف تکرار جرم در آن قانون قرار داشت. ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی در مورد تعریف تکرار جرم بیان میداشت: «هر کس به موجب حکم



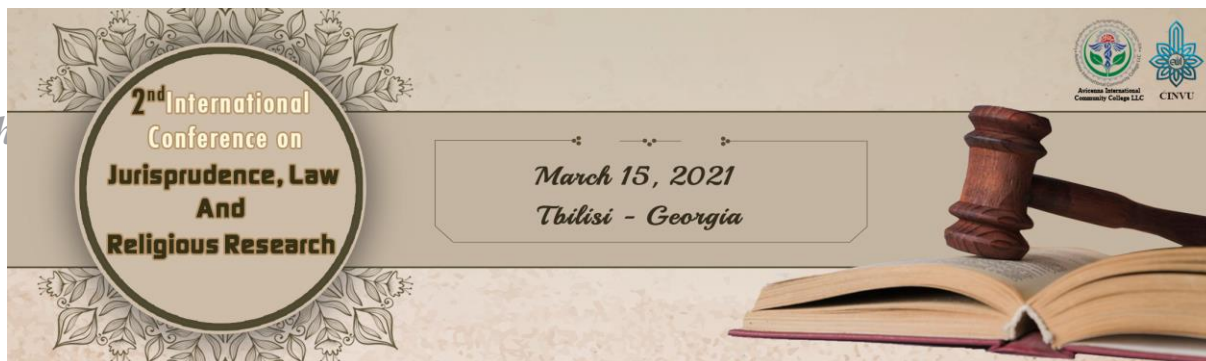
قطعی به حبس جنحه ای یا جنایی محکوم شده و از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت دیگری بشود، مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود». مقنن پس از انقلاب، صرف تعریف خود از تکرار جرم در متن ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی را عوض کرده و به جای شرط «محکومیت قطعی کیفری، شرط اجرای حکم» را وضع کرده است؛ اما بدون توجه به ارتباط این تعریف با تبصره ۴ ماده ۲۵ قانون مذکور، آن تبصره را بدون هیچ تغییر در راستای تغییر ایجاد شده در ماده ۲۴، وارد قانون مجازات اسلامی کرده است. بدین ترتیب در قوانین پس از انقلاب (ابتدا ماده ۱۹ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و سپس ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰) شاهد ناهماهنگی بین متن ماده و تبصره آن هستیم. بر همین اساس با در نظر داشتن مقصود روشن مقنن که تغییر تعریف تکرار با الهام از مباحث حدود بوده باید تا زمان اصلاح این تبصره یا خود ماده تبصره را در راستای خود ماده تفسیر کرد، منظور از محکومیت‌های سابق در تبصره ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی را محکومیت‌های اجرا شده سابق می دانیم نه صرف حکم محکومیت قطعی کیفری.

آثار تعدد جرم در قانون جدید مجازات اسلامی

با نگاهی به قانون جدید مجازات اسلامی و به ویژه مبحث مربوط به تعدد جرم می توان به این نتیجه رسید که قانون گذار جدید بر خلاف قانون سال ۱۳۷۰ رویکرد نظامندتری نسبت به مقوله جرم داشته است. قانونگذار در این قانون اولاً، تعدد جرم را در همه جرائم پیش بینی نموده و نحوه تعیین مجازات در هر مورد را نیز جداگانه مورد توجه قرار داده است؛ ثانیاً، برای نخستین بار پس از انقلاب، محدوده تشدید مجازات را برای مواردی که تشدید جزء آثار تعدد جرم است نیز به خوبی مشخص کرده است. نکته اخیر بدین معنی است که تشدید مجازات، یکی از آثار تعدد جرم در قانون جدید مجازات اسلامی است. آثار دیگر تعدد جرم شامل: تعیین مجازات جرم واحد، تعیین مجازات جرم اشد، تجمع مجازات و انتخاب مجازات جرم حدی است که همه این آثار مورد بررسی قرار می گیرد.

تعیین مجازات جرم واحد

گاهی علی رغم اینکه فردی مرتکب جرایم متعدد شده است قانونگذار فقط یک مجازات را برای او پیش بینی می کند. این حالت صرفاً مخصوص مواردی است که اولاً جرایم ارتكابی از جمله جرایم حدی باشد و ثانیاً جرم حدی ارتكابی نیز یکسان باشد. به عنوان مثال، فردی که به کرات مرتکب شرب خمر یا زنا شده است پس از دستگیری و محاکمه فقط به یک مجازات شرب خمر (۸۰ ضربه شلاق) یا فقط به یک مجازات زنا (۱۰۰ ضربه شلاق) محکوم خواهد شد و نه بیشتر. با این همه، اگر نوع جرم ارتكابی، یکسان لیکن مجازات آنها متفاوت باشد چنین قاعده ای اعمال نخواهد شد. به عنوان مثال، اگر مرتکب، یک بار زنای غیر محصن و بار دیگر، زنای محصن را مرتکب شده باشد هر چند جرم ارتكابی در هر دو مورد زناست، چون مجازات هر کدام متفاوت است مثل این است که دو جرم حدی مختلف مرتکب شده است که تعیین مجازات آنها بر اساس قاعده مورد بحث انجام نمی شود. ماده ۱۳۲ قانون جدید مجازات اسلامی چنین مقرر می



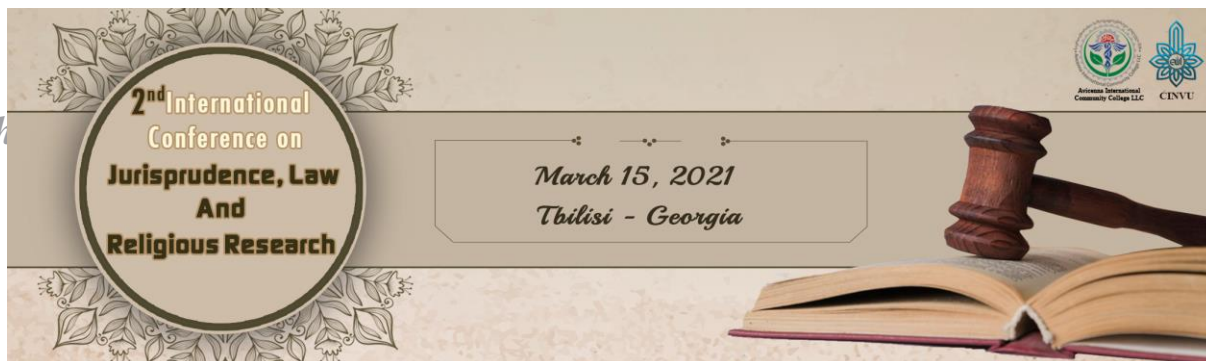
دارد " در جرائم موجب حدی، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جراوم ارتكابی و نیز مجازات آن ها یکسان باشد."

بی تردید قانونگذار در پیش بینی چنین حکمی تحت تاثیر موازین فقهی قرار داشته است زیرا آنچه مسلم است اینکه مرتکب، رفتارهای مادی خود را در زمان های گوناگون تکرار کرده است و عمل او ظاهراً تعدد مادی است اما قانون گذار با چشم پوشی از این تعدد مادی به گونه ای در مورد مرتکب تصمیم گرفته است که گویا او فقط یک بار مرتکب جرم شده است. مبنای چنین حکمی نیز پیش بینی آن در متون فقهی می باشد. شهید ثانی در بحث سرقت ضمن تاکید بر اینکه چنانچه فردی دوبار مرتکب سرقت شده و بین آن ها دستگیر و محاکمه نشده باشد فقط به یک مجازات حد سرقت محکوم می شود. دلیل چنین حکمی را این گونه توجیه کرده است که در موارد حد با تکرار سبب واحد (جرم)، مسبب (مجازات) تکرار نمی شود زیرا در غیراینصورت تداخل اسباب ایجاد خواهد شد که معلوم نمی شود هر مسبب (مجازات) در ازای کدام سبب (جرم) اعمال شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳).

انتخاب مجازات جرم اشد

یکی از آثار تعدد جرم در قانون جدید مجازات اسلامی انتخاب مجازات جرم اشد است که در قوانین گذشته نیز چنین رویکردی دارای سابقه است. این حالت ظاهراً در صورت اجماع دو شرط قابل تحقق است: تعزیری بودن جرایم ارتكابی و اعتباری بودن تعدد. شرط اخیر بدین معنی است که لازم است یک رفتار مادی مرتکب هم زمان دارای دو یا چند عنوان مجرمانه باشد. در این صورت، همان گونه که قانونگذار در ماده ۱۳۱ قانون جدید تأکید کرده است، صرفاً مجازات جرم اشد مورد حکم قرار خواهد گرفت.

به تصریح ماده ۱۳۱ تعدد اعتباری جرم شامل رفتار واحدی است که دارای عناوین متعدده جرم باشد. قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۱۳۴ حالتی را که رفتار واحد دارای نتایج مجرمانه متعدد باشد به عنوان تعدد واقعی در نظر گرفته و مشمول تشدید مجازات دانسته است نه مشمول انتخاب مجازات جرم اشد. در واقع، در تعدد اعتباری که از رفتار واحد چندین جرم قابل برداشت باشد این جرایم در عرض هم و هم زمان واقع می شوند اما در تعدد واقعی که رفتار واحد دارای نتایج مجرمانه متعدد باشد این جرایم در طول هم قرار داشته و هم زمان به وجود نمی آیند. منظور قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۱۳۴ حالتی است که جرم یا جرایمی پس از یک رفتار مجرمانه به وجود آیند. به همین دلیل است که قانونگذار در این تبصره بر خلاف ماده ۱۳۱ از وصف مجرمانه برای واژه رفتار استفاده کرده است در حالی که در ماده ۱۳۱ که بحث راجع به تعدد اعتباری است کلمه "رفتار" را تنها به کار برده است. بنابراین، چنانچه از یک رفتار مجرمانه چندین نتیجه مجرمانه دیگر به وجود آید مورد از مصادیق تعدد واقعی است نه اعتباری. برعکس، در صورتی که یک رفتار عادی هم زمان دارای دو یا چند عنوان مجرمانه علم متعدد باشد مورد از مصادیق تعدد اعتباری است نه واقعی.



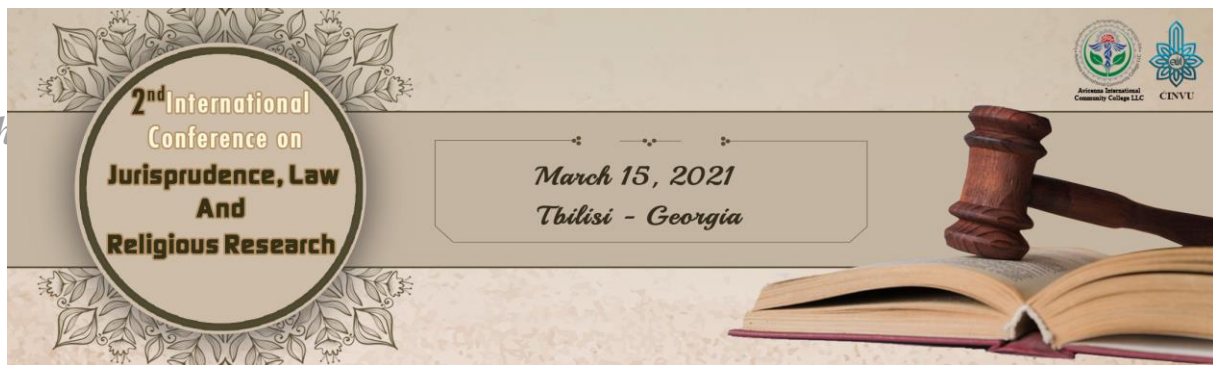
به عنوان مثال، کسی که در ملا عام متجاوزانه اقدام به بوسیدن زن نامحرم می کند عمل او هم زمان مصداق عمل منافی عفت در منظر عمومی و هتک ناموس به عنف و از موارد تعدد اعتباری است که به حکم قانون باید مجازات جرم اشد یعنی هتک ناموس به عنف در مورد او صادر شود. همچنین فردی که با ارائه سکه تقلبی به صرافی پولی را دریافت می کند عمل او هم زمان شامل ترویج سکه قلب و کلاهبرداری و از مصادیق تعدد اعتباری است که به موجب ماده ۱۳۱ قانون جدید مجازات اسلامی فقط به عنوان کلاهبرداری محکوم خواهد شد. لیکن ترک منزل توسط همسر برای مدت طولانی چنانچه جرم مستقلی باشد و منجر به ترک انفاق شود از مصادیق تعدد واقعی است که بر اساس ماده ۱۳۴ در مورد آن تصمیم گرفته می شود. بنابراین، تعدد اعتباری صرفاً شامل حالتی است که فردی مرتکب رفتار واحدی می شود که این رفتار دارای عناوین مجرمانه متعدد است.

حالتی هم که قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۳۲ قانون جدید جداگانه مورد توجه قرار داده است از مصادیق تعدد اعتباری است و لذا به نظر می رسد ضرورتی به تعزیری بودن جرایم ارتكابی برای شمول عنوان تعدد اعتباری نیست. به عبارت دیگر، عمل فردی که در حال لواط مرتکب تفضیح هم شده است مصداق رفتار واحدی است که دارای عناوین مجرمانه متعدد است و لذا تردیدی در تعدد اعتباری بودن رفتار او نیست. از همین رو قانونگذار در مقام تعیین مجازات چنین فردی نیز نظر به اجرای مجازات جرم اشد داشته است مگر اینکه گفته شود قانونگذار در مورد تعدد اعتباری اصولاً نیازی به صدور حکم محکومیت به خاطر جرم کم اهمیت تر ندیده است اما ظاهر تبصره ۲ ماده ۱۳۲ در خصوص تعدد لواط و تفضیح و امثال آن نشان می دهد که صدور حکم محکومیت در مورد هر دو جرم لازم است هر چند فقط مجازات اشد قابلیت اجرا دارد.

تجمع مجازات ها

قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی برخی از موارد تعدد جرم را باعث تجمع مجازات ها دانسته و این فرصت را به دادرس داده است که بتواند همه مجازات ها را اجرا کند. جمع مجازات ها در سه حالت مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است: تعدد مادی در جرایم حدی مختلف، تعدد مادی در جرم قذف ولی با موضوع مختلف و تعدد مادی جرایم حدی و غیر حدی. با این همه، در مرحله اجرای حکم، گاه قانونگذار ترتیب خاصی برای اجرای مجازات پیش بینی نموده است و مثلاً جایی که یکی از مجازات های جرایم حدی اعدام است فقط اعدام را قابل اجرا می داند یا جایی که مجازات حدی با مجازات حق الناس قابل جمع نیست اولویت را برای مجازات حق الناس قرار می دهد.

در مورد فردی که مرتکب چند جرم حدی مختلف شده باشد حکم قانونگذار، جمع مجازات هاست. به عنوان مثال، ارتكاب شرب خمر و زنا غیر محصن و سرقت حدی مستوجب حکم شلاق به خاطر زنا و شرب خمر از یک سو و حکم قطع دست راست به خاطر سرقت حدی از سوی دیگر است. با توجه به اینکه جمع همه این مجازات ها ممکن است، به حکم صدر ماده ۱۳۲ قانون جدید مجازات اسلامی، دادگاه باید همه مجازات ها را به اجرا در آورد. طبیعتاً نتیجه

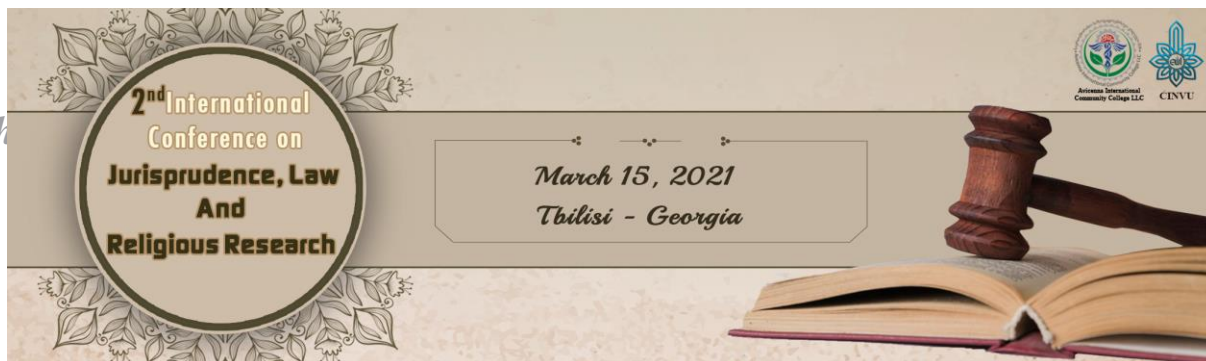


اجرای چنین مجازات هایی رنج و سختی بیشتر مرتکب است و آنچه در سرنوشت مرتکب قرار دارد به طور طبیعی تشدید مجازات نسبت به حالتی است که وی فقط یک جرم را انجام داده باشد. با این همه، در مواردی که یکی از جرایم او سنگین تر باشد به گونه ای که با مجازات اعدام مواجه شود و جرم یا جرایم دیگر مستوجب حبس یا تبعید باشند به حکم تبصره یک ماده ۱۳۲ فقط اعدام به اجرا گذاشته می شود. به عنوان مثال، چنانچه فردی به اتهام زنا یا به عنف دستگیر شود که علاوه بر آن، هم برای بار سوم مرتکب سرقت حدی شده و هم در محاربه شرکت داشته است با وجود اینکه هر سه جرم او شدید و خطرناک است قانونگذار فقط مجازات اعدام را قابل اجرا می داند و عملاً چنین فردی علی رغم شدت جرایم ارتكایی خود، هیچ گاه با تشدید مجازات رو به رو نخواهد شد. به عبارت دیگر، چنین فردی با وجود ارتكاب محاربه و سرقت حدی (برای بار سوم) هیچ گاه مجازات تبعید یا حبس ابدی را که احتمالاً بدان محکوم شده است تحمل نخواهد کرد.

آنچه در مورد جرایم حدی مختلف مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است در ارتكاب جرم قذف نیز چنانچه موضوع آن افراد مختلف باشد صادق است. به تصریح تبصره ۴ ماده ۱۳۲ قانون جدید مجازات اسلامی در صورتی که قذف نسبت به دو یا چند نفر باشد به تعداد مقذوفین، حد قذف ثابت می شود. طبیعتاً در این موارد ممکن است تعدد مادی مختلف صورت گرفته باشد. به این معنی که مرتکب در زمانها یا مکان های مختلف نسبت به افراد گوناگون مرتکب قذف شود. چنانچه همه مقذوفین شکایت کنند مرتکب به مجموع چند مجازات حد قذف محکوم خواهد شد، چنانچه همه مقذوفین شکایت کنند مرتکب به مجموع چند مجازات، حد قذف محکوم خواهد شد، و ماده ۲۵۶ قانون جدید مجازات اسلامی نیز بر این مسئله تاکید نموده است.

تشدید مجازات

یکی از آثار تعدد جرم در قانون جدید مجازات اسلامی، تشدید مجازات است که قانونگذار آن را فقط در مورد تعدد جرایم تعزیری پذیرفته است. این تشدید مبتنی بر یک فایده عملی است زیرا قانونگذار، تشدید را هرگز از طریق جمع مجازات ها دنبال نکرده است. به موجب ماده ۱۳۴ قانون جدید، قانونگذار دو وضعیت را از هم تفکیک کرده است: حالتی که فردی مرتکب حداکثر سه جرم می شود و حالتی که وی مرتکب بیش از سه جرم شده است. قانونگذار با این تفکیک خواسته است رویکرد معقولانه ای را به خصوص در مورد حالت اخیر در پیش بگیرد. بدیهی است فردی که مثلاً مرتکب ۱۰ جرم شده باشد جمع مجازات های این جرایم حتی اگر به صورت جمع حداقل ها باشد باز هم ممکن است حبس به اندازه بیش از عمر یک انسان را به دنبال داشته باشد که عملاً غیر منطقی است. از این رو قانونگذار چنین پیش بینی کرده است که در حالت اخیر، مجازات مرتکب در فاصله بین حداکثر و حداکثر به اضافه نصف تشدید ترین مجازات تعیین می شود.



در مورد رویکرد جدید قانونگذار چند نکته قابل ذکر است. اولاً، تعیین میزان تشدید مجازات یکی از محاسن قانون جدید است که در قانون سابق وجود نداشت. بدیهی است تشدید، زمانی معنی دارد که مجازات مرتکب بیش از حداکثر تعیین شود و تعیین خود حداکثر را نمی توان تشدید دانست (اردبیلی، ۱۳۸۰). از این رو شاید بتوان این ایراد را به قانونگذار جدید وارد دانست که در خصوص حالتی که تعداد جرایم ارتكابی کمتر از چهار جرم است حداکثر شدیدترین جرم قابل اجرا اعلام شده است. البته طبق ماده ۱۳۴ حداکثر همه جرایم مورد حکم قرار می گیرد اما فقط شدیدترین مجازات به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ثانیاً، قانونگذار در مورد حالتی که تعداد جرایم ارتكابی کمتر از چهار جرم باشد سیاست واحدی اتخاذ نکرده است، به این معنی که چنانچه شدیدترین جرم دارای حداقل و حداکثر باشد فقط حداکثر همان جرم به اجرا گذاشته خواهد شد ولی اگر چنین نباشد یعنی شدیدترین جرم دارای مجازات ثابت باشد، مجازات قابل اجرا به اندازه یک چهارم بیشتر از آن مجازات ثابت خواهد بود. بنابراین، در حالی که در وضعیت نخست، تشدید به معنای واقعی کلمه صورت نمی گیرد در وضعیت دوم، تشدید واقعا اعمال خواهد شد و این تفاوت سیاست در دو وضعیت مختلف از یک حالت غیر قابل قبول به نظر می رسد.

انتخاب مجازات حدی

در برخی از موارد علی رغم وقوع جرایم متعدد، قانونگذار قاضی را ملزم کرده است که مرتکب را فقط به مجازات حدی محکوم کرده و همان را نیز به موقع اجرا بگذارد. این وضعیت، مربوط به حالتی است که چندین جرم از جمله یک جرم حدی واقع شده است لیکن ماهیت جرم حدی و جرم تعزیری یکسان است. به عنوان مثال، شخصی که هم مرتکب جرم سرقت تعزیری و هم مرتکب سرقت حدی شده باشد به حکم تبصره ماده ۱۳۵ فقط به مجازات جرم سرقت حدی محکوم خواهد شد. همچنین است در مورد فردی که هم مرتکب زنا و هم مرتکب رابطه نامشروع کمتر از زنا با همان شخص شده است. در واقع قانونگذار در این گونه موارد نه تنها تعدد جرم را موجب تشدید مجازات دانسته بلکه اتفاقاً با صرف نظر کردن از مجازات جرم تعزیری خواسته است در حق مرتکب تخفیف نیز اعمال کند.

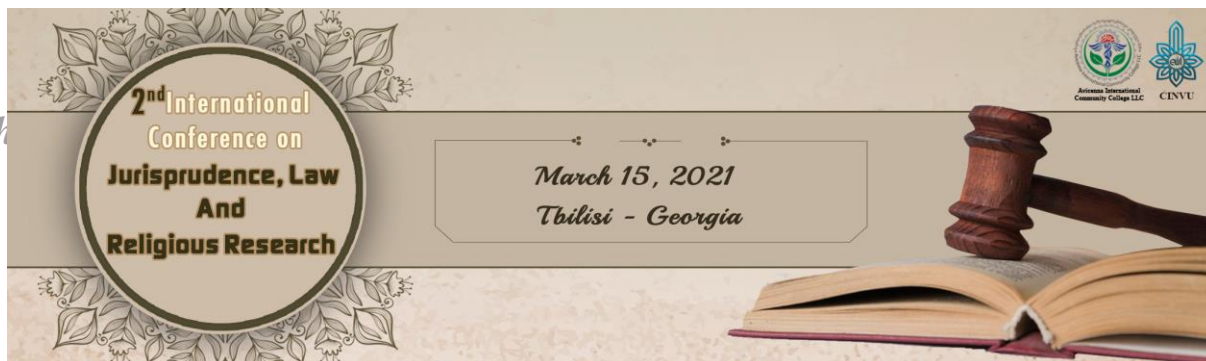
تشدید مجازات در تعدد و تکرار جرم

تشدید مجازات در تعدد مادی (جرایم متعدد مشابه)

مقنن در بحث تعدد جرائم مشابه در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی اختیار تشدید مجازات را به دادگاه داده است؛ جایی که می گوید: «... و در این خصوص، تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد...» منظور از تشدید، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی است (اردبیلی، ۱۳۸۰).

تعریف تشدید مجازات

به نظر می رسد منظور از تشدید مجازات، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی است و در دکتترین حقوقی هم نظریه مخالفی در این خصوص وجود ندارد (افراسیابی، ۱۳۷۷). حتی اداره حقوقی قوه قضائیه هم در نظرهای متعدد



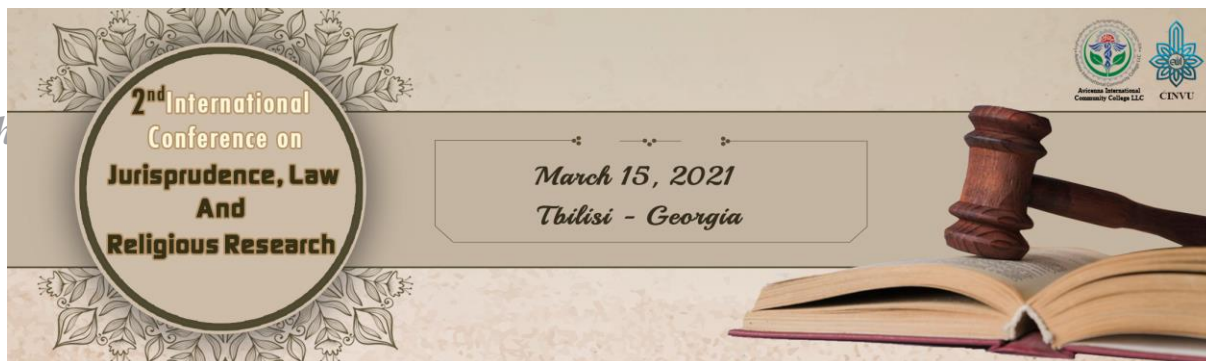
ابرازی خود تا پیش از رأی وحدت رویه فوق الذکر، این عقیده را که منظور از تشدید، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی است بیان داشته «منظور از تشدید مجازات مذکور در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی این است که دادگاه مجازاتی بیش از حداکثر مقرر قانونی عمل ارتكابی برای متهم تعیین نماید» (شهری، ۱۳۷۳). بنابراین در صورتی که متهم مرتکب چندین فقره چک بلامحل بوده و با رعایت تعدد درباره او حکم صادر شود، هر چند مبلغ چکها زیاد باشد، دادگاه نمی تواند به استناد ماده ۴۷ ق.م.ا. حکم به بیش از دو سال حبس صادر نماید» (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۲).

فقدان معیار برای تشدید مجازات

هر چند قانونگذار در ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) همانند قانون قبلی، یعنی قانون راجع به مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۱) حق تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی را به دادگاه داده، اما هیچ معیاری را برای نحوه و میزان تشدید مجازات ارائه نداده است. لذا ظاهراً از لحاظ قانونی دادگاهها در خصوص میزان تشدید مجازات محدودیتی ندارند و این امر، تعارض این ماده با اصل قانونی بودن مجازاتها را تداعی می کند؛ چرا که اصل قانونی بودن مجازات به این معنا است که هیچ مجازاتی قابل اعمال نیست، مگر آنکه قانونگذار میزان و نحوه اجرای آن را تعیین و اعلام کرده باشد (حبیب زاده، ۱۳۷۴).

تشدید مجازات در تکرار جرم

مقنن در بحث تکرار همانند بحث جرائم متعدد مشابه در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی اختیار تشدید مجازات را به دادگاه داده است، جایی که می گوید: "دادگاه می تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید". در این خصوص نیز ماجرای معیار تشدید مجازات در قوانین قبل و پس از انقلاب تقریباً شبیه ماجرای معیار تشدید مجازات در جرائم متعدد مشابه است، جز آنکه در این خصوص رأی وحدت رویه ای به صورت خاص صادر نگردیده است در این مورد هم علیرغم اختیاری که مقنن پس از انقلاب در جهت تشدید مجازات به دادگاهها داده است، معیاری را برای میزان و نحوه تشدید مجازات بیان نکرده که خلاف اصل قانونی بودن مجازاتها است. این در حالی است که تجربه قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ در ماده ۲۵ آن قانون، مبنی بر ارائه معیاری دقیق برای نحوه تشدید مجازات پیش روی مقنن بوده است. همین نقص باعث گردیده تا شورای عالی قضایی سابق به سلاح ناکارآمد بخشنامه شماره ۲۶/۶۳/ب/ش متوسل شود و مقرر دارد: «در مورد تکرار جرم قابل تعزیر دادگاهها می توانند مجازات را تا یک برابر و نیم حداکثری که در قانون برای آن جرم تعیین شده تشدید نمایند و در صورتی که مجازات تعزیری جرمی مستوجب شلاق بوده و مجرم برای دفعه قبل به کمتر از ۷۴ ضربه محکوم شده باشد، به حداکثر ۷۴ ضربه محکوم می گردد و چنانچه دادگاه تشدید مجازات بیش از ۷۴ ضربه را در مورد فوق ضروری بداند علاوه بر ۷۶ ضربه شلاق می تواند حبس

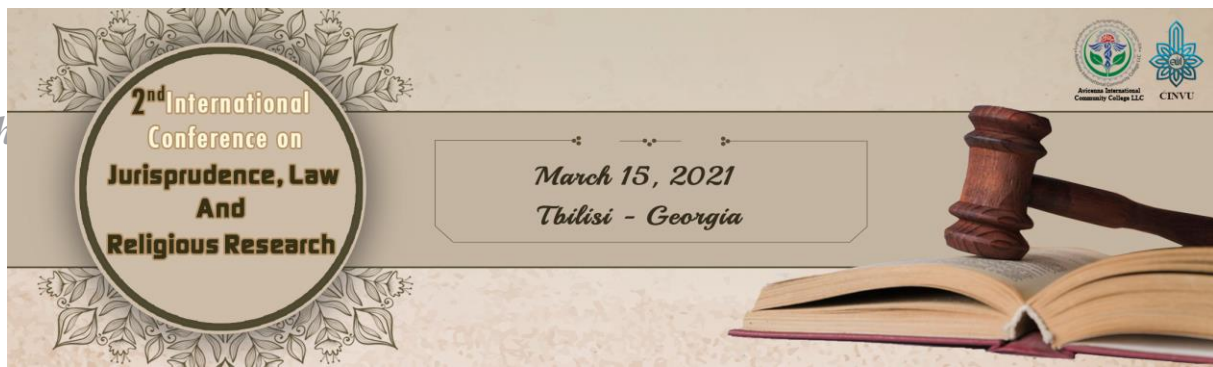


تعزیری برای مدتی که مناسب با جرم یا جرائم ارتكابی باشد نیز تعیین نماید»، در حالی که بدیهی بود این بخشنامه خلاف قانون نمی تواند بر مشکل نقص قانون فائق آید.

نقش موازین فقهی در تعیین مجازات در موارد تعدد جرم

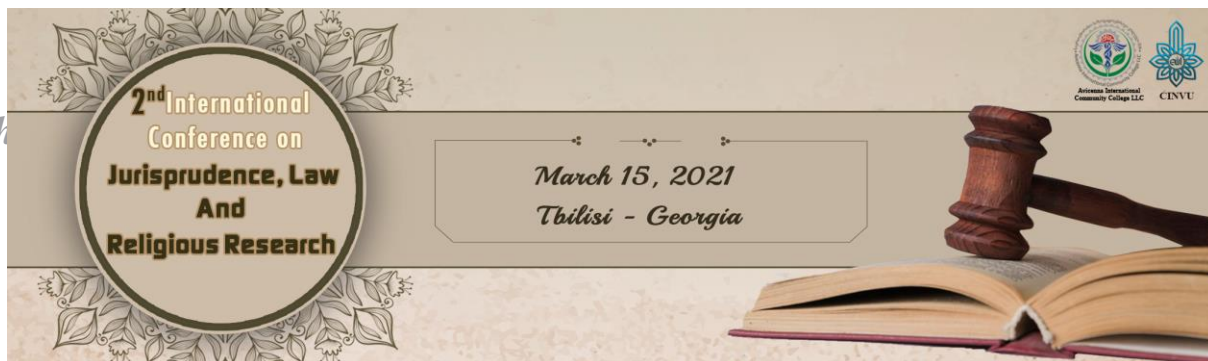
در تدوین قانون مجازات اسلامی به کرات از فقه و منابع فقهی به عنوان یک منبع استفاده شده است. در این موارد، قانونگذار، تحت تأثیر موازین فقهی، در مواجهه با تعدد جرم پایبند به راه حلی است که مذهب و احکام آن در اختیار او قرار داده اند. به عبارت دیگر، در موارد تعدد جرم، قانونگذار به گونه ای تعیین مجازات خواهد کرد که چنانچه یکی از جرایم مربوط به جرایم مذهبی و شرعی باشد مرتکب حتماً به سزای عمل خویش برسد. در این موارد، بیش از آنکه عدالت مبنای تعیین مجازات در موارد تعدد جرم باشد، عبادت و تسلیم شدن در پیشگاه خدا چگونگی و میزان مجازات خاطی را مشخص خواهد کرد. با این همه، دستور الهی بر هر چیز دیگر مقدم است. بنابر این، چنانچه دستور الهی و شرعی راه حل دیگری را در موارد تعدد جرم پیشنهاد کرده باشد قانونگذار خود را ملزم به اطاعت می داند و حکم مذهب را بی هیچ کاستی و نقصی برای دادرسی تعیین خواهد کرد. به عنوان مثال، در فقه امامیه هر چند یک شخص به کرات مرتکب شرب خمر شود، حکم شرعی عمل او فقط یک مجازات حد خواهد بود (نجفی، ۱۳۸۰).

بنابر این، چنانچه فردی پس از ده از شرب خمر در زمان ها و مکان های مختلف دستگیر شده و مورد محاکمه قرار گیرد فقط یک مجازات حد یعنی ۸۰ ضربه شلاق در انتظار او خواهد بود. بدیهی است، با وجود اینکه عمل مرتکب مصادق بارز تعدد مادی جرم است، در عمل قانونگذاری که تحت تأثیر موازین فقهی باشد هیچ گاه اجازه نخواهد داد که چنین فردی به مجازاتی بیش از مجازات مقرر برای یک بار ارتکاب جرم محکوم شود. با این همه، گاه موازین فقهی خود را موافق تجمیع مجازات ها نشان داده است. در این صورت، تجمیع مجازات ها نه بر مبنای عدالت که بر اساس استحقاق قابل توجیه خواهد بود. در مکتب استحقاقی می توان انتظار داشت که یک با برخی از مجازات ها به سود مجازات مهم تر کنار گذاشته شوند و حال آنکه در مکتب عدالت، چنین ترجیحی بلامرجح بوده و با عدالت، فاصله خواهد داشت. به عنوان مثال، فقه امامیه در مواردی که تعدد جرم از نوع ارتکاب جرم حدی به همراه جرم تعزیری و جرم قصاصی باشد موافق تجمیع مجازات ها است اما به شرط اینکه جمع مجازات ها ممکن باشد. چنانچه جمع مجازات ها ممکن نباشد ترجیح با مجازات حق الناس است و بعد از آن اگر مجالی باشد مجازات حد، قابل اجرا خواهد بود. بنابراین، گاه دستور و راه حل فقهی چراغ راه قانونگذار در تعیین میزان مجازات در موارد تعدد جرم خواهد بود. این دستور بسته به اینکه تعداد به چه صورتی رخ داده باشد متفاوت خواهد بود اما نقطه مشترک که در همه مصادیق تعدد در آن است که قانونگذار، زمانی که تحت تأثیر موازین فقهی قرار دارد به نوع تعدد، کار دارد و نه از قواعد تعیین کننده در خصوص هر کدام از انواع تعدد جرم پیروی می کند (جعفری، ۱۳۹۲).



نتیجه گیری

تعدد جرم یکی از وضعیت های محتمل است که شخصی با نقض نمودن هنجارهای کیفری ممکن است به وجود آورد. در این وضعیت جدید بحث تعیین مجازات مرتکب مطرح می شود که مسلماً باید متفاوت از وضعیت مرتکب جرم واحد یا مجرم مکرر باشد. قانونگذار سابق با تفکیک تعدد واقعی از تعدد اعتباری، در مورد تعدد اخیر اجرای مجازات جرم اشد را مورد توجه قرار داده بود و در خصوص تعدد واقعی نیز نظر روشنی راجع به نحوه تعیین مجازات مرتکب نداشت جز اینکه در موارد تعدد واقعی غیر مختلف به تشدید مجازات مرتکب تمایل نشان داده بود. اما قانونگذار جدید سعی کرده است وضعیت مجازات فردی را که مشمول عنوان تعدد جرم است به صورت واضح تر مشخص نماید. در این چارچوب، البته سیاست کیفری قانونگذار در قلمرو تعدد اعتباری تغییری نکرده است اما وضعیت تعدد واقعی تا حدودی دگرگون شده است. در این قلمرو، قانونگذار بر اساس مبانی مختلف عدالت، فقه و فایده گرایی آثار متفاوتی را برای تعدد جرم در نظر گرفته است که تنها یکی از این آثار، تشدید مجازات است. به عبارت دیگر، با توجه به قانون جدید مجازات اسلامی، تعدد جرم آثار مختلفی را در پی خواهد داشت که تخفیف مجازات و تشدید آن در شرایط گوناگون از جمله این آثار است. به این صورت هرگز نمی توان گفت که تعدد جرم از کیفیات عینی تشدید مجازات است.



منابع

- اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامی، چ ۳، انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۲.
- اردبیلی، محمد علی. ۱۳۸۰ حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر میزان
- استفانی، گاستون. لواسور، ژرژ و بولوک برنار. حقوق جزای عمومی، ج ۱، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری، ج ۲، انتشارات سمت، ۱۳۷۵
- افراسیابی، محمد اسماعیل. حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷.
- پیمانی، ضیاء الدین، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۴.
- جعفری، مجتبی. تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵.
- جعفری، مجتبی. تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵.
- حیب زاده، محمد جعفر. ۱۳۷۴ محقق داماد، سید مصطفی. اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران، مجله دانشور (دانشگاه شاهد) ش ۹ و ۱۰.
- شهری، غلامرضا. ستوده جهرمی، سروش. نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، ج ۱، انتشارات روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳.
- شهید ثانی. (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. جلد ۱، قم.
- فتحی، محمد جواد، ۱۳۷۹ بررسی انتقادی کیفیات مشدده عمومی در قانون مجازات اسلامی، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ش ۷-۸.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۸۰). جواهرالکلام، چاپ بیروت.